

پرسش‌ها و دل‌نگرانی‌های محیط بانان کوچک

از آن‌جا که جامعه هدف پیاده‌سازی طرح مدرسه طبیعت دانش‌آموزان هستند، توجه به نگاه و پرسش‌های آن‌ها درباره طبیعت و حفظ محیط‌زیست را در اولویت قرار دادیم. در گفت‌وگوی حضوری دانش‌آموزان با دکتر وهاب‌زاده، فرصت طرح پرسش‌ها و بالا رفتن آگاهی آن‌ها فراهم شد. امید آن‌که مطالعه این سطور، فرد فرد ما را در ترویج نگاه و رفتار محیط‌زیستی صحیح ترغیب کند.

آذین آخوندی، شمیم میرشمسی / دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی ناحیه (۱)

من حیوان خانگی دارم و از کسانی هستم که حیوانات را دوست دارم. برای این‌که بقیه هم آن‌ها را دوست داشته باشند چه کاری می‌توانیم بکنیم؟

بچه‌ها را در طبیعت با حیوانات روبه‌رو کنیم تا کم‌کم ترسشان بریزد، دوستدار و عاشق حیوانات شوند. آن موقع حتی می‌توانند از طبیعت، درختان و حیوانات هم مواظبت کنند.

حال چه‌طور می‌توانیم یک محیط‌زیست سالم و طبیعی برای بچه‌ها در مدرسه ایجاد کنیم؟

بایستی از مسئولان مدرسه و شهر، از پدرها و مادرها بخواهیم که ما را به طبیعت ببرند و اجازه دهند آن‌طور که دلمان می‌خواهد بازی کنیم، بدون این‌که به ما بگویند چه کار بکنیم و چه کار نکنیم! من چهل خرده‌ای سال است که طبیعت را دنبال می‌کنم و می‌خواهم طبیعت را حفظ کنم چون وقتی بچه بودم، یکی از بازی‌هایم این بود که در حیاط برای مورچه‌ها دانه می‌ریختم و وقتی دانه‌ها را بر می‌داشتند دنبالشان می‌کردم که ببینم لانه‌شان کجاست؟ دلم می‌خواست مورچه‌ها را از این طریق بشناسم.

رفتار ما برعکس شما است، تا یک‌جا می‌بینیم مورچه‌ها جمع شده‌اند، جارو برقی را بر می‌داریم و پشت سرشان!

در حالی‌که اگر با مورچه‌ها دوست بودید، از وجود مورچه‌هایی که داخل خانه جمع می‌شوند خوشحالی می‌کردید و می‌گفتید یک همسایه خیلی خوب دارم که می‌شود با آن زندگی کرد. یکی از مشاوران سابق محیط‌زیست ژاپن برای بازدید از مدرسه ما به مشهد آمده بود. این مشاور با یک عده از بچه‌ها شروع به بازی کرد. دم لانه مورچه‌ها که رسیدند، بچه‌ها گفتند این مورچه‌ها گاز می‌گیرند. او برای اینکه نشان دهد مورچه‌ها ترس و خطری ندارند، یکی از مورچه‌ها را خورد! بله خورد!

آذین آخوندی: لطفا خودتان را معرفی کنید؟

دکتر وهاب‌زاده: من عبدالحسین وهاب‌زاده، معلم محیط‌زیست و به شدت علاقه‌مند به بچه‌ها هستم. کار این روزهای من این است که بتوانیم در همه شهرهای ایران مدرسه طبیعت راه بیندازیم، یعنی جایی که بچه‌ها بتوانند هر بازی که دوست دارند انجام دهند، حتی با حیوان‌ها؛ از درختان میوه بچینند؛ خودشان چیزی بکارند؛ با سنگ، آب، خاک و گل بازی کنند.

شما در سازمان محیط‌زیست چه سمتی دارید؟

من یک معلم هستم، هیچ سمتی ندارم و از این موضوع خیلی خوشحالم!

چند سال برای محیط‌زیست فعالیت کرده‌اید؟

من ۴۳ سال معلم محیط‌زیست بوده‌ام.

به نظر شما چه کار کنیم که بچه‌ها از همان اول یاد بگیرند محیط‌زیست را آلوده نکنند؟

به نظر من برای اینکه بچه‌ها محیط‌زیست را آلوده نکنند، باید عاشق محیط‌زیست و طبیعت شوند. وقتی که عاشق طبیعت شدند، خودبه‌خود از طبیعت مراقبت می‌کنند. و برای این عاشق محیط‌زیست شوند باید به طبیعت بروند و هر کار دلشان خواست انجام دهند؛ با حیوانات بازی کنند؛ گیاهان را لمس کنند؛ قایم‌باشک بازی کنند؛ بالای درخت برای خودشان خانه بسازند و...

مثلا امروز صبح یک گربه داخل مدرسه ما آمده بود، ولی همه بچه‌ها ترسیدند و فرار کردند! (خنده) فکر می‌کنید برای چه ترسیدند؟ چون آن‌ها هیچ موقع کنارشان گربه ندیده‌اند. اگر جایی داشتند که گربه را بغل و ناز می‌کردند و می‌فهمیدند گربه هیچ خطری ندارد، امروز هم وقتی گربه را می‌دیدند، می‌گفتند وای چه گربه خوشگلی!

خب کسی که گربه را دوست دارد، وقتی می‌بیند بچه‌ها این رفتار را می‌کنند، جلو آن‌ها نمی‌تواند گربه را ناز کند. مثلا می‌گویند، اه، ایش، دستات کثیف شد، هزار تا بیماری داره و....

نه. گربه بیمار، بیماری می‌آورد. ما می‌توانیم حیوان را پیش دامپزشک برده و از سالم بودنش اطمینان کسب کنیم. آن موقع با خیال آسوده حیوان را بغل کنیم.

شمیم میرشمسی: خودتان می‌دانید اولین نفر در محیط‌زیست کشور ما یک خانم متشخص هستند. خوب این رشته برای خانم‌ها که لطیف هستند، باید جذاب باشد. لطفاً نظرتان را بگویید.

شناخت محیط‌زیست هم برای مردها و هم برای زن‌ها واجب و لازم است. همان‌طور که شخص اول محیط‌زیست ما یک زن است، خیلی از خانم‌ها می‌توانند کارشناس محیط‌زیست، رئیس اداره محیط‌زیست و محیط‌بان شوند و منطقه‌ای را حفاظت کنند.

مسئله اینجاست که هنوز این روال جا نیفتاده است.

ما تمام تلاش‌مان را به کار می‌گیریم تا همه مردم بپذیرند. زمانی در کشورمان اصلاً مدرسه نداشتیم، ولی حالا همه به مدرسه می‌رویم، برای چه؟ برای این که عده‌ای خواستند و مسئولین پذیرفتند که باید مدرسه داشته باشیم.

چه کار کنیم که جامعه بین مردها و زن‌ها فرقی نگذارد؟

کم‌کم، برای این کار شماها باید تلاش کنید. مثلاً می‌دانید در کشوری مثل انگلیس که زن‌ها و مردها برابرنند، تا ۸۰ سال پیش زن‌ها حق رأی دادن نداشتند. هنوز هم برخی کشورها از نظر حقوق زن خیلی از ما عقب‌تر هستند. ولی ما نباید راضی باشیم، باید بیشتر و بیشتر بخواهیم تا روزی که همه انسان‌ها از فرصت‌های برابر در تمام کارها استفاده کنند.



امروزه استانداردهای جدید زیادی برای ارتباط انسان با طبیعت و زندگی سالم طراحی شده‌اند که در خیلی از نهادهای کوچک و بزرگ خدماتی یا تولیدی پیاده می‌شوند. مگر ما نمی‌گوییم مدرسه یک نمونه بارز اما کوچک از جامعه است، پس چرا این استانداردها را در مدارس عملی نمی‌کنیم؟ مثلاً در کلاس فضای جنب‌وجوش نداریم، نمی‌توانیم حرکت کنیم، یک چیزی از دستمان بیافتد به هزار بدبختی باید از زیر میز بیرون بیاوریم!

حرف شما را کاملاً تأیید می‌کنم. مدرسه باید جایی باشد، که ارتباط دانش‌آموزان با طبیعت تسهیل شود. از بابت شرایط موجود ناراحت و متأسف هستیم. ولی همین قدر که شما نیازهایتان را می‌دانید، شروع کار است. چون اول باید کاستی‌هایمان را بدانیم و بعد آن‌ها را بخواهیم. شما این را می‌دانید

و برای آن تلاش می‌کنید. این را با اطمینان می‌توانم بگویم، روزی که به سن من برسید، همه این امکانات را خواهید داشت.

به نظر شما تعریف محیط‌زیست چیست؟ چیزی که عشق می‌ورزیم یا استفاده می‌کنیم؟

تا نسبت به چیزی شناخت نداشته باشیم، نمی‌توانیم به آن عشق بورزیم، از آن نگهداری و استفاده کنیم. از مار کبری می‌ترسیم برای این‌که آن را نمی‌شناسیم و فکر می‌کنیم بی‌دلیل کسی را نیش می‌زند. ولی کم‌کم یاد می‌گیریم اگر مواظب باشیم، فاصله را حفظ کنیم، از یک جای مناسب مار را بگیریم، ما را نیش نمی‌زند. آن‌وقت می‌توانیم به مار نزدیک شویم، آن‌را تماشا و زیبایی‌هایش را درک کنیم؛ آن‌وقت دیگر آرزوی نبودنش را نمی‌کنیم، بلکه دوست داریم از آن مواظبت کنیم. فردی که ناآشنا با طبیعت بزرگ می‌شود وقتی به طبیعت قدم بگذارد، اگر به او بگوییم مار کبرای دماوندی در حال انقراض است، فکر می‌کنید عکس‌العملش چیست؟ می‌گوید چه بهتر بگذارد منقرض شود!! بنابراین ما در مدرسه طبیعت ماری را که نیش نمی‌زند را به دست بچه‌ها می‌دهیم برای این‌که لمس کنند، دور گردن بیندازند و بغل کنند؛ وقتی کاملاً آشنا شدند به بچه‌ها می‌گوییم همه مارها بدون نیش نیستند و بعضی نیش دارند که شما باید مواظب باشید. شما هم کویر را دارید. کویر خیلی زیباست. مردم از جاهای دیگر دنیا پول کلان می‌دهند که به کویر بیابند و تپه و شن ببینند. در این تپه‌ها و شن‌ها شاه‌روبه، پلنگ، گربه شنی، روباه معمولی، یوزپلنگ، گرگ، کفتار، شغال، انواع و اقسام جونده‌های زیبا مثل کانگورو و انواع خارپشت و دوزیستان است. حتی من در کوه‌های اطراف یزد پلنگ‌های بزرگ دیده‌ام. شما باید بدانید که چنین محیطی برای شما فراهم است.